

انتخابات فلسطین

پیروزی حماس ، سرنوشت الفتح

حماد شیبانی

بین المللی، سازمان آزادیبخش همچنان خود را به آن متعهد می داند و آن را مبنای اعتراض به عهد شکنیهای اسرائیل می شناسد .

سازمان حماس بر اساس نفی این قرارداد و با شعار نابودی اسرائیل و تحقق یک حکومت اسلامی در تمامی سرزمین تاریخی فلسطین - از رود اردن تا دریای مدیترانه - و نیز امتناع از هرگونه مذاکره با اشغالگر و گسترش ایده جهاد شناخته شده است. بنابراین، چه از نظر داخلی و چه در عرصه بین المللی برای حضور در قدرت رسمی با مشکلات جدی روبروست. درست از همین نقطه نظر است که برخی رهبران الفتح، علیرغم تبلیغات انتخاباتی و در مقابل تنگناهای ناشی از ریزش اعتماد تودها و انشعابات درونی دو سه سال اخیر این حزب، که دعوت به مشارکت همگانی در تشکیل دولت آینده می کرد، از همان نخستین لحظات اعلام نتایج انتخابات و روشن شدن برتری حماس اعلام کردند که از مشارکت در دولتی که بر اساس برنامه حماس تشکیل شود، خود داری خواهند نمود، و از او خواستند تا رأساً برای تشکیل دولت مورد نظرش اقدام کند .

بسیاری بر این باورند که سازمان حماس آرزو داشت به آرائی ۵۰ درصدی ویا برابر با الفتح نائل شود، تا حداکثر از راه ائتلاف با سایر مخالفان الفتح به تشکیل یک بلوک قدرتمند، در جهت شکستن انحصار قدرت الفتح و کسب جایگاه رهبری در اپوزیسیون فعال پارلمانی نایل شود و در گام بعدی از طریق مشارکت در بازسازی سازمان آزادیبخش فلسطین و احیانا ایجاد تغییراتی رادیکال در منشور آن، خود را جایگزین الفتح کند. اما نتایج شمارش آراء دامنه شگفتی را به اردوی حماس نیز کشانید .

غیر از آنچه در باره مجازات الفتح توسط مردم بوسیله صنوق انتخابات گفته می شود، فقدان یک آلترناتیو منسجم و ترقیخواه که قادر باشد به دور از منافع حقیر گروهی، پیرامون یک خط مشی

عناصری در مراکز بالای حکومتی برخوردار بوده اند. او همچنین یکی از اقدامات خائنانه سودجویان را فاش کرد که و گفت کسانی از همان قدرتمداران به تأمین مخفیانه میلیونها تن سیمان برای ساختن دیواری که اسرائیل، بنام تأمین امنیت شهروندانش به دور شهرهای فلسطین کشیده، متهم شده اند. و این در شرایطی است که بیش از نیمی از مردم فلسطین با درآمدی کمتر از ۲ دلار سر می کنند و بیکاری زندگیشان را آشفته کرده است .

جنبه دیگر واقعیت اینستکه این نیرو که در این شرایط بحرانی به پیروزی رسیده و نزدیک به هفتاد درصد از کرسیهای پارلمان فلسطین را به دست آورده، فاقد یک برنامه مشخص و پاسخگو در قبال الزامات اداره شئون مردم است و طرحی منسجم و قابل بحث برای تحقق شرایطی متفاوت با آنچه که با آن مخالفت می کرد، ارائه نداده است و به جز مشتی شعارهای کلی، مبتنی بر نظرات انحصارطلبانه اسلامی، چه به هنگام تبلیغات انتخاباتی و چه پس از اعلام نتایج انتخابات، ارائه نکرده است. ازینرو در صورتی که حماس بخواهد با توسل به موقعیت قانونی خود مستقلاً و بر مبنای شعارهای داده شده به تشکیل دولت دست بزند یا دستگاه دولتی موجود را تسخیر نماید، مردم فلسطین را، از یک بحران به بحرانی بزرگتر با ابعاد تازه تری، گرفتار خواهد ساخت .

مهمترین وجه بحران تازه، در این است که حکومت خود مختار، طبق منشور سازمان آزادیبخش فلسطین و بر مبنای مصوبات اسلو تشکیل شده، زیر کنترل این مصوبات و متعهد به قراردادهائی است که در رأس آن به رسمیت شناختن اسرائیل و پذیرش روش مسالمت آمیز، برای حل مناقشات خود با این کشور است. قراردادی که، هرچند در یک شرایط نابرابر، به فلسطینیها تحمیل شده است و طی ده سال گذشته بارها و بارها توسط اسرائیل نقض شده و بویژه با اقدامات یکجانبه حکومت شارون چه بسا برای همیشه به گور سپرده شده است، اما، در عرصه

پیروزی جنبش اسلامی حماس در انتخابات مجلس قانونگذاری فلسطین به دوران تسلط یکجانبه و بلامناع سازمان الفتح بر سرنوشت و مقدرات مردم فلسطین پایان داد. همان مردمی که بعد از توافقنامه اسلو و به امید دستیابی به صلح عادلانه و زندگی به دور از سلطه اشغالگران، به استقبال عرفات و دیگر رهبران الفتح شتافتند؛ همان مردمی که به تعبیر در میثاق سازمان آزادیبخش بر مبنای شناسایی موجودیت اسرائیل تن داده و ایجاد حکومت خودمختار را به عنوان نقطه آغاز تحقق یک دولت مستقل پذیرفتند، اینبار از تشکیلاتی که به عهد خود وفا نکرد و بی کفایتی خود را هم در زمینه پیشبرد مذاکره با اسرائیلیها، و هم در رابطه با اداره امور روزمره مردم نشان داد، روی برگرداند. فلسطینیها با رأی خود ۷۶ کرسی از ۱۳۲ کرسی نمایندگی را در اختیار حماس قرار دادند و الفتح با ۴۷ نماینده به موقعیت اپوزیسیون رانده شد . ۲ کرسی برای مسیحیان در نظر گرفته شده و ۷ صندلی باقی مانده ، سهم کل جریان پراکنده مدنی ، چپ ، لائیک و مستقل شد .

اما این تنها یک جنبه از واقعیت آنهاست مربوط به پیروزی مردم در پائین کشاندن نیروئی است که پیش از این بر زندگیشان مسلط بود. نیروئی که با اتکا به ابزار قدرت، میلیاردها دلار اموال و کمکهای دریافتی به نام مردم فلسطین را به جای آنکه صرف بازسازی بنیادین اقتصاد نابود شده و فقیر فلسطین اشغالی کند و دردها و کمبودهای مردم را در زمینه کار، نان، تحصیل، بهداشت و رفاه چاره کند، روانه کیسه های گشاد مشتی سوء استفاده چی در مراکز قدرت کرد و وضعیت معیشتی و سلامت و امنیت مردم را به اضمحلال کشاند. برای مثال همین هفته دادستان کل فلسطین زیر فشار افکار عمومی اعلام داشت که بیش از ۵۰ پرونده دزدی و اختلاس اموال عمومی به قیمت ۷۰۰ میلیون دلار برای طرح در دادگاههای زیر نظرش وجود دارد که تمامی متهمان یا خود در مراکز قدرت قرار دارند و یا از پشتیبانی

بهانه‌ واهی که این پول به دست حماس می افتد، متوقف کرده بود و عملاً دولت فلسطین را در پرداخت حقوق کارمندان خود با مشکل روبه‌رو کرده بود، از روز پنجم فوریه با این توضیح که حماس هنوز رسماً به قدرت نرسیده است، دوباره از سر گرفت .

محمود عباس دعوت از حماس برای تشکیل دولت را به اعلام نظر این سازمان مبنی بر موافقت با منشور سازمان آزادیبخش، از جمله به رسمیت شناختن اسرائیل، موکول کرده است. ماراتن ورود حماس به صحنه در میانه راه است .

این روزها تعداد بیشتری از طرفداران حماس با سر و ریشهای مرتب درحالیکه کت و شلوار و کراوات پوشیده اند جلو دوربینها می روند و از قصد تشکیل دولت متحد ملی سخن می گویند. یکی از آنها در پاسخ این سؤال که راجع به حجاب اجباری چه می گوئید جواب می دهد که حماس طرفدار اسلام "لااکراه فی الدین" است. چگونه می تواند طرفدار اجبار در حجاب باشد؟

آیا حماس با تشکیل دولتی تکنوکرات؛ دور از رنگ حزبی و حفظ اکثریت پارلمانی، به داد و ستد با محمود عباس برای نجات خود از این مرحله و نجات الفتح از این مهلکه تن نخواهد داد؟

برخی از کادرهای معترض به سیاستهای رهبری الفتح بر این باورند که شاید این شکست، آخرین شانس قبل از اضمحلال است که در اختیار الفتح قرار داده شده تا سیمای واقعی خویش را در آینه سخاوتمند مردم بنگردد و سرنوشت خود را رقم زند . هفتم فوریه ۲۰۰۶



اکنون دو هفته به انعقاد مجلس مانده است. هرچه به روزهای سرنوشت ساز انعقاد جلسه اول مجلس قانونگذاری نزدیک می شویم، ابزار تقیه، آرام آرام از زیر قبای حماس بیرون می آید و در کنار سخنرانیهای آتشین، زمزمه های ملایمت و نرمش درعرصه هائی مانند قبول مذاکره از طریق میانجی، البته در صورتی و تا جائی که به نفع مردم باشد و نیز امکان تمدید آتش بس یکطرفه به مدت مثلاً ۱۰ سال؛ مثل آنچه از ۶ ماه گذشته تا کنون طبق توافق قاهره و با میانجیگری مصر جریان دارد، شنیده می شود. و یا اینکه "اساساً امر مذاکره در حوزه اختیارات سازمان آزادیبخش است نه دولت" و مهمتر آنکه، حماس همه تهمذات خارجی دولت فلسطین را به رسمیت می شناسد... با اینهمه طرف دیگر یعنی الفتح همچنان به مانور برای سنگینتر کردن هرچه بیشتر وزن خود، در اوضاع آینده ادامه می دهد .

محمود عباس رهبر الفتح و رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین است و این سازمان همچنان تنها نماینده مردم فلسطین در تمامی محافل بین المللی است. او بعنوان رئیس حکومت فلسطین این افتخار را دارد که با برگزاری انتخاباتی آرام و آزاد فرش قرمز را جلوی پای حماس، برای فرود از عرش اعتراض و نزول به ارض مسئولیت، باز کرده است. عباس نیز به نوبه خود رئیس منتخب همان مردمی است که طی انتخاباتی به همین میزان آزاد و منزه و با اتکاء به برنامه ای متناقض با برنامه حماس و مبتنی بر مفاد بیانیه اسلو و میثاقهای متعاقب آن به قدرت رسیده است. هر دو این انتخابات، زیر نظارت سازمان ملل بر گزار شده و هر دو گواهی "حسن اخلاق" دریافت کرده اند. آمریکائیا این روزها می گویند برای رابطه با دولتی که حماس در رأس آن باشد، موانع قانونی دارند و نمی توانند به آن کمک کنند. قبلاً می گفتند با دولتی که حماس در آن عضویت داشته باشد. این موضع البته با نمونه دولت لبنان و عضویت دو وزیر حزب الله که در قبال اسرائیل از موضع همچون حماس برخوردارند و هر دو به همین دلیل در "لیست سیاه" قرار دارند، در تناقض است و یعنی که قابل حل .

اسرائیل نیز که به محض اعلام نتایج انتخابات پرداخت نزدیک به هفتاد میلیون دلار سهم عوارض دریافتی از کالاهای تولید شده در فلسطین و صادر شده از گمرکات خود را به دولت فلسطین، به این

دمکراتیک و مردمی صفوف باورمندان به عدالت اجتماعی و آزادی را متحد کند، آرای کل جریان سوم یعنی نیروهای غیر از الفتح و حماس را پراکنده و بی اثرکرد. این نیرو که در ۹ لیست؛ شامل ۵ لیست تشکیلاتی و ۴ لیست ائتلافی، وارد مبارزه انتخابی شد، تنها ۷ کرسی به دست آورد و نزدیک همین تعداد را برابر آخرین ارزیابیهای آماری از دست داد. (این نیروها در بر خورد به عدم موفقیت خود هر کدام تقصیر را به گردن دیگری و همه با هم به گردن الفتح می اندازند و در عین حال، تصویر ناامید کننده ای از خود در زمینه آموزش از تجربه این شکست نیز به دست می دهند .)

از سوی دیگر تمامی تبلیغات منفی آمریکا و اسرائیل و اتحادیه اروپا، طی روزهای کارزار انتخاباتی، مبنی بر امتناع از همکاری و قطع رابطه با دولتی که در آن اعضای حماس شرکت داشته باشند و در یک کلام مداخله و قیحانه این قدرتها در امر داخلی مردم فلسطین، با توجه به نفرت برحق این مردم از سکوت بین المللی در مقابل جنایات اسرائیل و بویژه مواضع دولت آمریکا در توجیه و حمایت از این جنایات، در حقیقت بهترین نتیجه را در حساسترین زمان برای حماس به ارمغان داشت. و به مظلوم نماییهای حماس کمک کرد. از این رو می توان به این ادعای حماس باور داشت که رهبران این سازمان اگرچه منتظر پیروزی بودند اما از نتایج بیرون آمده از صندوق دچار شگفتی شدند. و این شگفتی در سخنان طرفداران و رهبران آن بویژه در ساعتیهای اولیه بعد از انتخابات، کاملاً هویدا بود. درنخستین پاسخ به این سؤال که در صورت قطع کمک مالی اروپا و آمریکا به دولت حماس، از کدام منبع مالی می توانند هزینه اداره حکومت را تأمین کنند، عبدالباری عطوان سردبیر روزنامه "الوطن العربی" با تأکید اظهار داشت که "برادران ایرانی" در همان روزهای اسلو به عرفات پیغام داده بودند که اگر از به رسمیت شناختن اسرائیل سر باز زند، حاضرند همه هزینه های مورد نیاز را تأمین کنند. خالد مشعل نیز که مرد شماره یک حماس است گفته بود علاوه بر جهان اسلام ودنیای عرب، به دوستان و مدافعانی چون دولت ایران دل بسته اند. در حالیکه حالا، سخنان حماس رنگ دیپلماتیک گرفته فقط ازدادن اطمینان به دول کمک دهند، جهت نظارت بر مسیر این کمکها صحبت می شود .